



دلاوران رزمنده خلق یادی از رفیق میرزا محمد کاویانی

تو ای دلاور خلق
ای رفیق پولادین
تو کوه بودی
و کوه مقاومت بودی
به روز سختی ها
به روز طوفان ها
تو در کنار رفیقان هم نبرد بودی
هنوز واژه زیباییات در سخن جاریست
که در سپیده دم صبح شعله میگفتی
"دلاوری و شهادت ز خلق آموزید"
تو ای دلاور خلق
ای رفیق رزمنده
به وعده گاه دم صبح شعله جاوید
قسم دو باره خورم
که در کنار رفیقان راه آزادی
همیشه یاور و همکار و هم نبرد باشم

با تأسف و اندوه بی پایان اطلاع یافتیم که رفیق میرزا محمد کاویانی یک تن از دلاوران رزمنده خلق مظلوم ورنجدیده افغانستان روز پنجشنبه 24 جنوری 2008 در کشور هالند دیده از جهان فرو بست . روحش شاد و راهش پر رهرو باد.
رفیق مرزا محمد کاویانی یکی از شعله ای های مبارز، انقلابی و رزمنده جریان دموکراتیک نوین (شعله جاوید) بود که ایام جوانی و سراسر زنده گی گرانمایه و پربارش را در مبارزه بر ضد امپریالیسم، فئودالیسم و نوکران بی مقدار آنها احزاب مزدور و جنایت کار خلق و پرچم و تنظیم های ارتجاعی احزاب اسلامی سپری نمود. مشارالیه یکی از چهره های سترگ و پردرخشش جریان دموکراتیک نوین (شعله جاوید) بود که تا آخرین لحظات حیات خویش به مارکسیسم – لینینیسم – مائوئیسم و آرمان انقلابی و مردمی اش وفادار ماند. و بادشمنان طبقاتی و ملی خلق افغانستان امپریالیسم و فئودالیسم آشتی ناپذیر بود. رفیق مرزا محمد کاویانی مبارز صادق، با ایمان و راستکار بود. منافع مردم را بر منافع شخصی اش ترجیح میداد. با دوستان و رفقا صمیمی و مهربان بود و تا حد امکان و توان خویش آنها را یاری میرساند. زمانیکه معاون اداری پوهنتون کابل بود، یار و یاور مامورین و کارگران بود. با آنها دوستانه و رفیقانه پیش آمد میکرد و هیچگاهی در فکر آمریت نبود و خود را بالاتر از آنها فکر نمیکرد. به پیشنهادات و انتقادات شان گوش میداد و از حق و حقوق آنها شجاعانه به دفاع برمیخاست. در آن زمان من جوانی بیش نبودم که با وساطت زنده یاد رفیق عبدالرحیم که بعد هادر نبرد مقاومت ضد شوروی توسط احزاب ارتجاعی اسلامی ترور گردید. بار رفیق کاویانی در یک نشست مختصر آشنائی حاصل نمودم. موصوف با صمیمیت رفیقانه در دفتر کارش از من پذیرائی نمود و با تبسم گفت: خوش هستم که بایکی از رفقای جوان معرفی می شوم. رفیق کاویانی مرد صمیمی باوقار، باعزت و نمونه بارز اخلاق مردمی و پرولتری بود و از عزت و احترام زیادی در بین رفقا و توده های مردم بر خوردار بود. بعد از ضربه خوردن و فروکش نمودن جریان دموکراتیک

نوین (شعله جاوید) رفیق میرزامحمد کاویانی مبارزات انقلابی خویش را در جهت سازمان وطن پرستان واقعی افغانستان ادامه داد.

با دریغ و درد که با کودتای شوم و ننگین هفت ثور، مبارزین و انقلابیون واقعی افغانستان مورد حملات کین توزانه باندهای آدمکش و جنایتکار خلق و پرچم و بداران سوسیال امپریالیست آنها قرار گرفت. هزاران تن از روشنفکران مردمی و انقلابی دستگیر و روانه زندان فاشیستی پلچرخ گردیدند و مورد سبانه ترین نوع شکنجه و عذاب غیر انسانی قرار گرفتند و عده کثیری از آنها در زیر شکنجه های وحشیانه فاشیستان شوروی و مزدوران خلقی و پرچمی آنها جان های شیرین شان را از دست دادند.

در متن چنین شرایط اختناق و خفقان که مبارزین واقعی از دو طرف مورد تهاجم و حملات و وحشیانه جنایت کاران خلق و پرچم و باندهای آدمکش و ارتجاعی احزاب اسلامی قرار داشتند. رفیق مرزامحمد کاویانی مجبور به ترک میهن گردید و مبارزاتش را در شرایط دیگر و به شکل دیگر ادامه داد.

رفیق میرزامحمد کاویانی برخلاف تسلیم طلبان و بی غیرتان تا آخرین لحظات زنده گی به اندیشه های انسانی و رهنائیش مارکسیسم-لنینیسم، مائوئیسم و فادار ماند و به حیث یک انقلابی مقاوم، سرسخت و وفادار به آرمان زحمتکشان و مظلومان مبارزه و زنده گی نمود. وفات رفیق میرزامحمد کاویانی ضایعه بزرگی به جنبش انقلابی و مردمی خلق افغانستان است. **اما راه رفیق کاویانی و آرمان والا و انسانی اش زنده و جاودان است و با خط قرمز در قلب تاریخ ترسیم گردیده است.** امروز بیش از هر زمان دیگر مشعل رهنائیش مارکسیسم-لنینیسم-مائوئیسم در بسا از نقاط جهان فروزان است و با قدرت چون بهمن و با سرعت چون آذرخش به پیش میرود و امپریالیست ها و مرتجعین تمام جهان را به تب لرزه مرگ سر دچار ساخته است.

یادآوری از رفقای رزمنده و دلاور خلق بخاطر آنست که باید راه آنها را پیگیرانه ادامه دهیم. از شهامت، فداکاری، استقامت و دلاوری آنها بیاموزیم و روحیه غبار آلود تسلیم طلبی، سازشکاری، پارلمانتاریستی و فرمیستی را که توسط عده از تسلیم طلبان و خائنین به میهن پخش میشود از دامان پاک جنبش پر افتخار انقلابی و مردمی کشور بزدانیم و با دشمنان طبقاتی و ملی خلق افغانستان آشتی نا پذیر باشیم. دوست و دشمن را از هم تفکیک نمائیم. یادوستان اتحاد نموده و تضاد های درون جنبش خلق را از راه گفتگو، مشاجره، انتقاد و انتقاد از خود با برخورد دوستانه و رفیقانه حل و فصل نمائیم. در راه ایجاد حزب رزمنده و پر خروش انقلابی پرولتاری تلاش و پیکار نمائیم. غم و اندوه را به نیرو و ایمان انقلابی مبدل سازیم و مبارزات آشتی ناپذیر خویش را تا محو طبقات ستمگرو جبار و بیرون راندن و بدور افگندن تجاوزگران امریکائی، قوای ناتو، دولت دست نشانده و مزدوران زر خرید آنها بشول تحریک ارتجاعی طالبان ادامه دهیم و تا استقرار دولت دیکتاتوری دموکراتیک خلق افغانستان شجا عانه مبارزه و پیکار نمائیم.

در آخر تسلیت و همدردی خویش را به فامیل، رفقا، دوستان و عزیزان زنده یاد رفیق میرزامحمد کاویانی بویژه به دختر دلاور و باشهامت و رزمنده اش سوما کاویانی از صمیم قلب ابراز نموده، همکاری و همبستگی خویش را با آن اعلام میدارم.

خواهر گرامی سوما کاویانی!

غم مخور

رنج و اندوه را به نیرو و ایمان انقلابی مبدل ساز

مادرین نبرد بزرگ تنها نیستیم

خلق های مظلوم و ستمکش سراسر جهان با ما است

رفقا، دوستان

دست های تانرا بلند کنید

پیروزی از آن ماست.

فوران

2008-2-8